irannewspaper.ir

• سه شنبه ۱۰بهمن ۱۴۰۲ • سال سی‌ام • شماره ۸۳۹۲
• اذان ظهر ۱۲/۱۷ • اذان مغرب ۱۷/۴۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ • اذان صبح فردا ۵/۴۰ • طلوع آفتاب فردا ۷/۰۶

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
• مهدی مهرپور (اقتصادی)
• زرین رستمی وند (اجتماعی)
• بنفشه غلامی (جهان)
• لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
• زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
• مهدی کلهرنژاد (اجرایی)
• حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری)
• ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

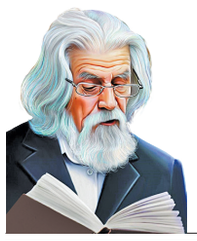

برخیزید ای شهیدان راه خدا
ای کرده بهر احیای حق جان فدا
کز قطره قطره خون پاک شما
می‌روید تا ابد در وطن لاله‌ها
حمید سبزواری
شاعر انقلاب

سخن روز

امام علی(ع):
از نیرنگ بپرهیز، که خوی فرومایگان است.
تحف العقول: ص ۹۸.

نگاره

انزوا

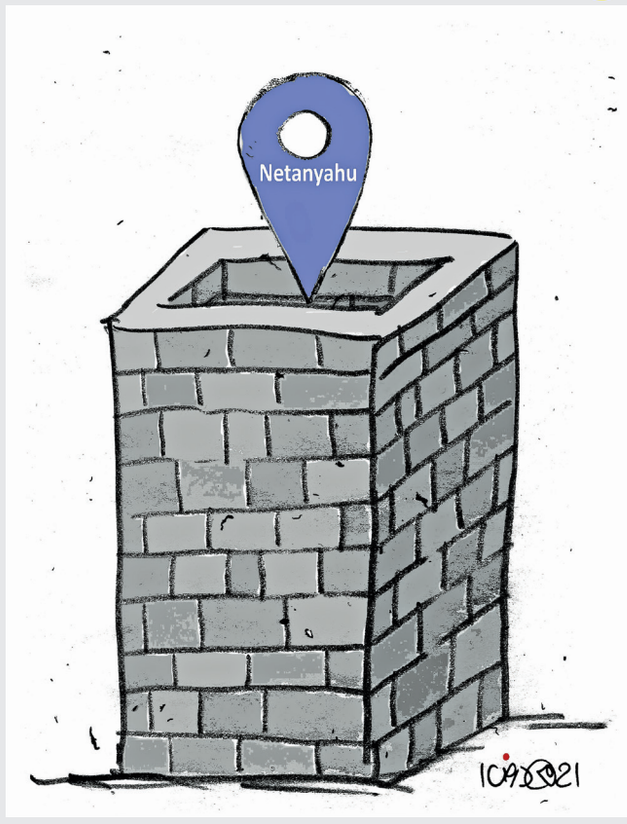

احمدرضا سهرابی/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

توجه به موسیقی کودک در «تار ایرانی»

علی قمصری آهنگساز پروژه تار ایرانی با انتشار ویدیویی از اجرای نوجوانان اهوازی در صفحه اینستاگرامش نوشته: «تار ایرانی ۱۲۶ (اهواز، به همراه نوجوانان «پارت») تقدیم به برگ‌های تازه درخت تنومند فرهنگ ایران. مطمئنم با تماشای نوازندگی این نوجوانان، بیش از قبل به اهمیت بسترسازی برای آشنایی این نسل با موسیقی ایرانی پی می‌برید. نوازنده کمانچه روحیه رهبری‌اش بیشتر از من بود. بنابراین بهتر دیدم که کنار بنشینم و کار را به کاردان بسپارم.
مادرانشان با عشق هر کدام درباره لباس، نور و ... نظراتی زیبا می‌دادند و در نهایت خودشان هم با گوشی‌ها این تصاویر را ثبت و ضبط کردند. با این کودکان کودک شده بودم و تصویر مادر خود را نیز بین آنها در حال فیلمبرداری می‌دیدم. دقایقی گذشت و پدرها هم آمدند. فکر می‌کنم این بخش تار ایرانی از نظر تعداد دوربین گوشی و دغدغه‌مندی برای ضبط، مجهزترین بود.
اگر سطح نوازندگی و هماهنگی این نوجوانان برایتان غافلگیر کننده است باید بگویم من هم در زمان آشنایی با آنها همین اندازه متعجب شدم و به هیچ عنوان در اجرای این اثر نقشی جز یک نوازنده همراه نداشتم.
آشنایی کودکان با موسیقی ملی در همه کشورها جز ایران، جزو برنامه درسی مدارس است. چون این آشنایی، تعهدی به خاک و لطافتی به روح و در نتیجه به ساختار جامعه آینده می‌بخشد. در غیاب ساز در رسانه‌های ایران، توجه به موسیقی کودک در «تار ایرانی» قوت گرفت.»

پدر معنوی شعر مینودشت

محمدکاظم کاظمی شاعر و نویسنده افغانستانی در صفحه اینستاگرامش به درگذشت مختار رنجیده اشاره داشته و با عنوان «پدر معنوی شعر مینودشت» دراین باره نوشته: «مختار رنجیده هم از رنج زیستن آسوده شد. شاعری که نام او نیز تداعی‌گر رنج‌هایی بود که در طول زندگی بر این وجود نازنین حواله شده بود، به خصوص بیماری چندین‌ساله پایان عمر. مختار رنجیده را باید از شاعران شاعرپرور دانست. از آنان که مصداق سخن سعدی‌اند که گفت تنها گلیم خود را از آب بیرون نمی‌کشند، بلکه می‌کوشند که غریق را هم نجات دهند و این غریق، در واقع زبان و ادبیات است، در این روزگاری که تنگناها و دشواری‌ها، همچنان که بر دوش همه انسان‌هاست، بر دوش اهالی شعر و ادب بیشتر نیز سنگینی می‌کند و گاه حتی بیشتر. این بار سنگین می‌توانست هر شاعری را از ادامه مسیر منصرف کند، اما مختار رنجیده با همه دشواری‌های زندگی جنگید و با همه مضایقی که بر سر راه فعالیت‌های ادبی وجود دارد، از گردانندگان و حامیان جلسات شعر در مینودشت بود.»

وقتی ناپلئون فرانسوی یک کابوی امریکایی می‌شود

سعید مستغاثی مستندساز و کارشناس سینما در صفحه مجازی‌اش به فیلم «ناپلئون» اشاره داشته و با عنوان «وقتی ناپلئون فرانسوی یک کابوی امریکایی می‌شود» نوشته است: «شخصاً همچنان فیلم تقریباً ۶ ساعته «ناپلئون» ابل گانس محصول ۱۹۲۷ را بر همه ساخته‌های بعدی درباره این شخصیت تاریخی از جمله همین اثر اخیر ریدلی اسکات ترجیح می‌دهم و حاضرم بارها آن را ببینم. اگرچه تنها به بخشی از دوران کودکی و جوانی ناپلئون تا نبردش در ایتالیا می‌پرداخت. فیلمی که برای اولین بار تقریباً ۳۲ سال پیش در ۳ دی ماه ۱۳۷۰ و در برنامه‌های نمایش فیلمخانه ملی ایران دیدم و به دلیل پلی ویژن و سه پرده‌ای بودن آن خصوصاً بر پرده عریض سینما شهر قصه سابق، خیلی برایم جالب توجه بود. فیلم «ناپلئون» ریدلی اسکات، زندگی و دوران ناپلئون بناپارت را از زمان انقلاب فرانسه و روزگاری که افسر جوان توپخانه بود، در قاب دوربینش گرفته... تا ارتقا و بالاخره تاج بر سر نهادن و رسیدن به مقام امپراطوری.»

نقل قول

سینما با عشق شکل گرفته است

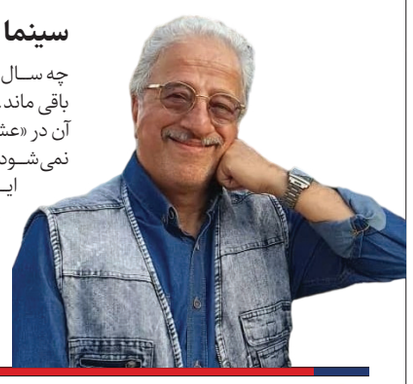

چه سال‌هایی که آمد و گذشت و چه خاطرات خوشی که برای من و مخاطبان سینما در طول سال‌ها باقی ماند. از سال ۱۳۶۰ تاکنون که چهل و دو سال می‌گذرد... ریشه و سرچشمه حرفه بازیگری و مسیر آن در «عشق» نهفته است. اگر عشق نباشد، هیچ فردی در جهان هستی و همچنین هنر سینما ماندگار نمی‌شود زیرا سینما براساس عشق به وجود آمده است و همه افراد فعال در این حرفه، عاشقانه وارد این عرصه شده‌اند. جمله جاودانه و شاه کلید حیات و هستی، عشق است. علی حاتمی، عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، داوود رشیدی و جمیله شیخی از جمله افرادی بودند که این ویژگی در آنها وجود داشت. عشق شادی است، عشق آزادی است، عشق آغاز و پایان آدمیزادی است...

بخشی از صحبت‌های علیرضا خمسه، بازیگر درگفت‌وگوی تاریخ شفاهی موزه سینما

موسیقی

کاربردهای همه‌جانبه موسیقی

رضا مهدوی
نوازنده سنتور و مدرس موسیقی

موسیقی، پدیده‌ای است ساخته بشر. هر چند که گفته می‌شود اصوات آسمانی و کهکشانی و حتی نغمه‌ها و فرامین الهی به پیامبران با صوت خوش بوده است و به قول عطار نیشابوری: «خَه خَه ای موسیجه موسی‌صفت / خیز موسیقار زن در معرفت» موسیقی را تا حدودی از مقوله دین نمی‌دانند و خرج کردن عبارات و اصطلاحات مربوط به فرهنگ مذهبی درباره آن، حاصل و سودی در پی نخواهد داشت.
تجربه سال‌ها نشان داده که اگر چیزی را فی الذات مقدس نیست بخواهید به زور القاب و سخن‌ها مقدس جلوه دهید، نتیجه‌اش این می‌شود؛ موردی را که حقیقتاً مقدس است از ارزش انداخته‌اید. این سخن که روحیه موسیقی ما روحیه‌ای مذهبی است، نظریه تعدادی از موسیقی‌شناسان و موسیقیدانان از ابوالحسن صبا و مهدی برکشلی و حسن مشحون است.
گذشته از خصلت مذهبی موسیقی، در دیگر ممالک هم که کلیسا و معابد و غیره دارند، این را هم باید در نظر بگیریم که بدنه اصلی موسیقی ایرانی را موسیقی آوازی (vocal) مبنا قرار داده‌اند و در کنار بداهه پردازی که بیشتر بر محور شعر و خواننده می‌چرخد استوار است. اما از گذشته‌های دور به هر شکل ایران را سرزمین شعر و موسیقی می‌دانسته‌اند. محل اصلی پرورش خوانندگان نیز فضاهای دینی با سرودهای مذهبی زرتشتی و صحنه‌های اجرای آنها و سپس منبرها و میادین تعزیه بوده بعد از روی‌آوری به اسلام عزیز و خوانندگان ایرانی در جایگاه مجلسی با خوانندگان منبری همزیستی و تبادل اطلاعات و تجربه‌ها داشته‌اند. از اقبال آذر، تاج اصفهانی، سیدجواد ذبیحی، اکبرگلپایگانی و حسین خواجه‌امیری و یا حتی خوانندگان شبه‌موسیقی مردم‌وار امروزی که صدایشان از رسانه‌های گوناگون شنیده می‌شود، اکثراً از فضاهای قرائت قرآن و نوحه و تعزیه برخاسته‌اند و حتی وقتی هم که موسیقی مجلسی یا موسیقی پاپ ایرانی می‌خوانند، نه موضع غیرمذهبی دارند و نه موضع ضدمذهبی، بلکه مشخصاً از گونه موسیقی مذهبی برگرفته از هنر دینی که روح‌الله خالقی نیز در کتاب سرگذشت موسیقی ایران از آن یاد می‌کند، استفاده می‌کنند. موسیقی می‌تواند کاربردهای بسیار قوی و مؤثری برای القای مفاهیم مختلف از جمله مقدس بودن برای ایجاد تجربه‌های واقعی، عرفانی و تقویت حس خلوص مذهبی داشته باشد. در طول تاریخ ادیان و مذاهب گاه برای انتشار مفاهیم دینی به عنوان هنر دینی مانند کلیسا از موسیقی‌ها حمایت و بهره‌برداری‌های ویژه کرده‌اند و گاه موسیقی مورد مذمت قرار گرفته مانند دوران صفویه! موسیقی به واسطه شرایط اختراع و تجربه، قابلیت بهره برداری‌های فراوان معنوی و مادی را ایجاد می‌کند. موسیقی قبل از هر توضیح و تفسیری یک زبان است. هر قوم و ملتی زبان گفتاری خود و زبان نوشتاری دارد. موسیقی زبانی است که حروف آن، اصوات هستند و با وسایل بسیار متنوعی از آلات و ابزار آکوستیگ و الکترونیک تا حلق و حنجره انسان بیان می‌شوند. کاربردهای زبان موسیقایی خیلی محدودتر از کاربردهای زبان گفتاری است ولی در مقابل، تأثیر زبان فنّ موسیقا بسیارعمیق‌تر و عاطفی‌تر و کارآمدتراز نه فقط زبان گفتاری بلکه از دیگر هنرهاست و زمانی که توأم می‌شود با ملودی و ترانه‌های ماندگار، تأثیر بسیار مؤثرتری را دارند به شرط آنکه ذوق و هنرمندی لازم در آنها به کار رفته باشد.
هنرها متناسب با سیر تحول زندگی بشر در کنار تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسیرهای مختلفی را تا کنون طی کرده‌اند. در ایران در مقایسه با ادبیات و شعر و ترانه غنی و پُرمایه زبان معیار فارسی که درجهان منحصر است دوشادوش دیگر زبان‌ها در ایران با زیرشاخه‌ها و گویش‌ها و لهجه‌ها توانسته با فرهنگ متعالی فلات ایران امروز و ایران فرهنگی دیروز در بازه‌های زمانی گوناگون در خدمت کلان موسیقی قرار گیرد و به عبارتی موسیقی را کاربردی‌تر از آنچه متصور است نشان دهد. اما آنچه که همچنان طی سالیان مغفول مانده است ساحت همه‌جانبه موسیقی است که امکان جلوه‌گری و گسترش بیشتر مناسب با حدواندازه خود نیافته است! بدیهی است با بررسی دوران‌های مختلف با مختصات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان علت نامناسب قرار گرفتن جایگاه موسیقی و موسیقیدانان را جست‌وجو کرد... موسیقی ملی ایران با تمام گونه‌های متنوعی که دارد در عین سادگی و بی‌پیرایگی بسیار پُرمایه و دلپذیر است در بین عشیره‌ها و اقوام و شهرنشین‌ها.
این موسیقی به اعتقاد بسیاری از اهل فن موسیقا چاه نفتی است که هنوز کشف نشده است.
موسیقی دستگاهی ایران اگر در شکل‌های گوناگون جلوه گر شود و با شرایط زمانه همساز گردد و در جهت رفع نیازهای عاطفی و اجتماعی با توجه به تنوع قومیت‌ها و آیین‌ها با انواع نغمه‌هایی که دارند در کنار موسیقی معیار و شهری که بیشتر ردیف دستگاهی می‌نامندش به بهره وری هرچه بیشتر آن می‌توان امیدوار بود. یادمان نرود استفاده از انواع موسیقی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با شناخت و تسلط بر آنها.

> **موسیقی دستگاهی ایران اگر در شکل‌های گوناگون جلوه گر شود و با شرایط زمانه همساز گردد و در جهت رفع نیازهای عاطفی و اجتماعی با توجه به تنوع قومیت‌ها و آیین‌ها با انواع نغمه‌هایی که دارند در کنار موسیقی معیار و شهری که بیشتر ردیف دستگاهی می‌نامندش به بهره وری هرچه بیشتر آن می‌توان امیدوار بود. یادمان نرود استفاده از انواع موسیقی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با شناخت و تسلط بر آنها**

میراث

وجه متفاوت آموزش در موزه

رضا دبیری‌نژاد
موزه دار

همواره بر این تأکید شده است که موزه‌ها نهادی آموزشی هستند، این نقش آموزشی از سویی حاصل این است که آثار موزه‌ها به مثابه منابع دانشی در نظر گرفته می‌شوند و در خود اطلاعات و داده‌هایی از دانش‌های مختلف را جای داده‌اند و مواجه شدن با این آثار به نوعی دریافت این داده‌ها محسوب می‌شود و از سوی دیگر موزه‌ها نهادی عمومی هستند که در معرض دید و دسترس عموم قرار دارند و از این رو در دسترس قراردادن منابع و داده‌های مختلف تاریخی، باستان‌شناسی، هنری، مردم‌شناختی و محیط زیستی خود نقش اطلاع رسانی و آگاهی بخشی دارد که به عنوان بخشی از فرایند آموزش محسوب می‌شود.
با توجه به همه این ویژگی‌ها که سبب می‌شود نقش آموزشی در موزه‌ها برجسته شود اما باید در نظر داشته باشیم وجه آموزشی در موزه متفاوت از سایر نهادهای آموزشی است. اگر در نهاد آموزشی از شیوه‌های آموزشی به عنوان کارکرد اصلی استفاده می‌شود و مواجهه با آموزش یک مواجهه مستقیم است که گاه در شکل رسمی و تکلیفی عمل می‌کند این وجه رسمی و تکلیفی که آموزش را زمان‌مند می‌کند و آموزش گیرندگان در خطاب مستقیم داده‌ها هستند و مجبورند پذیرای آنها باشند به نوعی از نظام آموزش استاد- شاگردی و فضای آموزشگاهی شبیه به کلاس درس بهره می‌گیرد اما وقتی صحبت از آموزش و موزه می‌کنیم معطوف به این است که کل فرایند موزه یک تجربه آموزشی است که بازدیدکنندگان در آن قرار می‌گیرند.
آموزش در موزه یک فرایند غیررسمی و غیرمستقیم است. از این رو نباید آن را با نظام‌های آموزشی رسمی مقایسه کرد. در واقع موزه را نباید به آموزشگاه یا کلاس درس تبدیل کرد که اگر چنین شود از اثربخشی آموزشی آن کاسته شده است. موزه محل مواجهه با داده‌ها و اطلاعات دانش‌های مختلف است، این مواجهه و رویارویی مخاطبان را به تجربه‌ای می‌رساند که در خود ادراک و مفاهمه وجود دارد.
این بارش داده‌ها که گاه می‌تواند با پرسشگری داده‌ها همراه شود و گاه می‌تواند مخاطب را در این تجربه به سوی دیگری بکشاند همگی ایجاد یک نظام آموزشی منحصر به فرد برای خود موزه است. موزه را اگر بگذاریم کارکرد خودش را داشته باشد و اگر موزه اجازه دهد که مخاطبان خود با داده‌ها و آثار مواجه شوند و بسترهای دریافت زمینه‌ای تاریخی و فرهنگی آثار را فراهم کند نقش آموزشی خود را ایفا کرده است.
این که موزه بپذیرد که موضوعی دارد و از نظامی دانشی تبعیت کند و داده‌های خود را با تبعیت از نظام دانشی ارائه کند و در ارائه بیشتر بکوشد بستر آموزش را فراهم کرده است. موزه در این معنا یک بستر آموزشی است و نباید کارکرد آموزشی آن را به سمت آموزش‌های رسمی یا تقلید از اشکال آموزشی رایج در سایر نهادهای علمی و فرهنگی سوق داد بلکه باید اجازه دهیم آموزش برآمده از ویژگی‌های موزه پدید آید که همراه با تجربه، لذت و آزادی دریافت است.

> **آموزش در موزه یک فرایند غیررسمی و غیرمستقیم است. از این رو نباید آن را با نظام‌های آموزشی رسمی مقایسه کرد. در واقع موزه را نباید به آموزشگاه یا کلاس درس تبدیل کرد که اگر چنین شود از اثربخشی آموزشی آن کاسته شده است. موزه محل مواجهه با داده‌ها و اطلاعات دانش‌های مختلف است، این مواجهه و رویارویی مخاطبان را به تجربه‌ای می‌رساند که در خود ادراک و مفاهمه وجود دارد**

عکس نوشت

صید و ماهیگیری در سواحل دریای خزر به روش «پره» است. در این روش تورهایی با ارتفاع هفت تا ۱۰ متر و به طول یک هزار و ۲۰۰ متر به کمک یک قایق به صورت نیم دایره در فاصله مشخصی از ساحل دریا (۱۴ متری عمق دریا) ریخته و پس ازانباشته شدن از ماهیان استخوانی شامل گونه‌های کفال، سفید و کپور، به وسیله تراکتور به ساحل کشیده می شود.
به طور معمول فصل صید ماهیان استخوانی در دریای خزر از اواسط ماه مهر شروع می شود و تا اواخر فروردین و گاهی تا اواسط اردیبهشت بسته به شرایط آب و هوایی ادامه می یابد.

عکس: ایرنا